

# جمهوری اسلامی و مشروعیت

پژوهشی از: امیر فیض حقوقدان

۱۷ آوریل ۲۰۰۹

برسم تفحص در موضوعات که لازمه تجلی حقیقت و جلوگیری از رسوب باور های کاذب و نتیجه گیری های غالباً مفسده آمیز است، تقدیم این تحقیق ضرور گردید.

در سه شنبه ۱۱ فروردین ماه سال جاری (۲۵۴۸ - = ۲۰۰۹) خبرگزاری بی بی سی تفسیری داشت زیر عنوان «چگونه ایران جمهوری اسلامی شد»

در آن تفسیر مفصل، پس از ذکر رویداد ها و ارایه نظرات دست اندرکاران شورش ۵۷ از جمله بارزگان و بنی صدر و یزدی، تفسیر مزبور به این نتیجه رسیده که جمهوری اسلامی با فراندن سال ۵۸ بوجود آمد.

بفرمانید به اتفاق تحقیق را آغاز کنیم:

هروجودی هنگامی وجود حقیقی شناخته می شود که از طریق مشروع بوجود آمده باشد. در غیر این صورت، یعنی اگر از طریق مشروع بوجود نیامده باشد، واجد مشروعیت نیست و گرچه شکل وجودی دارد ولی وجود مجازی است و آثار حقوقی متعلق به وجود حقیقی را نخواهد داشت.

مثالی آورده شود بجاست:

طفل متولد از زنا (یعنی تولدی بدون طی طریق مشروع) وجود عینی دارد ولی بعلت نا مشروع بودن، وجودی است مجازی و غیر شرعی که حرامزاده شناخته می شود و از برخی حقوق از جمله ارث و غیره محروم است.

مثال دیگر برای نزدیکی به موضوع:

کسی خانه ای را به زور و جبر و حيله و تزویر متصرف می شود. در این حالت تصرف بوجود آمده است ولی تصرف غاصبانه و تصرف مجازی است چرا که تصرف برخلاف قواعد جاری اعم از شرع و یا قانون صورت گرفته است. در تطبیق مورد با مثال، جمهوری اسلامی هم از طریق همه پرسی بوجود آمده است ولی وجودش فاقد اصالت و مشروعیت است زیرا برخلاف قرآن و برخلاف نص و سنت محمد به همه پرسی متوسل شده است و از آنجا که بقول فقهای اسلامی «مقدمه نامشروع سبب نتیجه نا مشروع می گردد» جمهوری اسلامی، رژیم است نا مشروع، خلاف اسلام و قدرتی است متجاوز به اسلام و غیر قابل اطاعت.

هدف این تحقیق:

این تحقیق در این راستا تجهیز شده است که جمهوری اسلامی، هم خودش و هم فراندن سال ۵۸ که مورد استناد تفسیر بی بی سی قرار گرفته فاقد مشروعیت، قرآن و سنت و فاقد اعتبار در حقوق اسلامی، فاقد اعتبار در حقوق مدرن (حقوق اروپائی) و فاقد اعتبار در حقوق بین المللی است. در این تحریر به استناد دلایلی که مبتنی بر عدم مشروعیت جمهوری اسلامی و فراندن سال ۵۸ از نظر حقوق اسلامی است رجوع می کنیم و اگر مهلت و فرصتی بود موقعیت

جمهوری اسلامی و رفراندوم سال ۵۸ آنرا در حقوق مدرن (اروپائی) و عدم مشروعیت آنرا در حقوق بین المللی بتحقیق می آوریم.

### حقوق اسلامی و مشروعیت جمهوری اسلامی و رفراندوم آن:

هر حقی که برای افراد ویا جوامع ایجاد می شود ناشی از یک منبع است. این منبع در حقوق مدرن، مردم و حاکمیت آنها است که بصورت قانون مشروعیت خود را بر جامعه گسترده است.

در جوامع اسلامی، برخلاف حقوق مدرن، مشروعیت اعمال فرد ویا جامعه را مردم تفویض نمی کنند. مشروعیت در جوامع اسلامی وقتی بوجود می آید که اعمال شخصی ویا جامعه منطبق با راه و روشی باشد که شرع مقرر کرده است.

مشروعیت، قدرتی است معنوی که به پشتیبانی شرع و شارع بوجود آمده و سبب حقانیت، اطاعت، احترام، اعتماد و درنهایت فرمانروائی بر مردم می گردد.

بنابراین مشروعیت هنگامی بوجود می آید (درحقوق اسلامی) که با طی طریقی بوجود آمده باشد که آن طریق را خداوند مقرر کرده باشد و به کلامی دیگر، قرآن و سنت عمل را مجاز دانسته باشد.

برای اثبات اینکه جمهوری اسلامی یک وجود حقیقی است و یا مجازی و بعبارت دیگر واجد مشروعیت است یا خیر باید یک مسئله اساسی به اثبات برسد آن ارتباط تطبیقی بین رفراندوم سال ۵۸ و قرآن و سنت است یعنی اگر تشکیل جمهوری آنهم از طریق رفراندوم و آراء مردم واجد مشروعیت شناخته شود باید جمهوری و رفراندوم ۵۸ از سوی شارع، (خداوند و قرآن و سنت) مجاز شناخته شده باشد ودر غیر اینصورت یعنی اگر تشکیل جمهوری و رفراندوم مورد نهی قرآن باشد رژیم جمهوری اسلامی و رفراندوم آن فاقد مشروعیت و رژیم است مجازی، تحمیلی، غیر اسلامی و طاغوت و غیر قابل اطاعت است.

### طریقه شکل گیری مشروعیت:

طریقه شکل گیری مشروعیت در حقوق اسلامی و حقوق مدرن (اروپائی) با تفاوت هائی روبروست؛ مهمترین تفاوت در آن است که در حقوق اروپائی، مشروعیت به وسیله مردم به اعتبار حاکمیتی که دارند، ایجاد می شود که ابزار اجرایی آن رفراندوم و انتخابات و امثال آنهاست.

ولی در حقوق اسلامی که مستند این تحقیق است؛ مشروعیت از طریق رعایت آیات قرآن و سنت محمد و راه و روشی که خداوند برای افراد و جوامع وضع کرده شکل مییابد. بنابراین، مردم، بطور کلی وبدون استثناء نقشی در ایجاد مشروعیت ندارند و بهمین دلیل است که اسلام، حاکمیتی برای مردم قائل نیست و حاکمیت را از آن خداوند میداند. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز این تاکید قرآن را در تعلیق انحصاری حاکمیت به خداوند رعایت کرده است.

تفاوت دیگری که آنهم مورد استناد این تحقیق است این است که مشروعیت در حقوق اروپائی نامحدود، و غیر ثابت است و از طریق مردم و مسیر قانونگزاری مشروعیت شکل می گیرد ولی در حقوق اسلامی مشروعیت کاملاً محدود و شرائط آن از پیش مقرر شده و گذشت زمان هر قدر هم طولانی باشد و یا خواست مردم نمی تواند در شرائط مشروعیت ایجاد تغییر نماید.

چرا این تحقیق بر پایه حقوق اسلامی قرار گرفته است:

زیراکه جمهوری اسلامی در اصل دوم قانون اساسی خود می گوید: «جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او لزوم تسلیم در برابر او» لذا، سند حقوقی مشروعیت و یا عدم مشروعیت جمهوری اسلامی حقوق اسلامی است نه حقوق مدون با عرف و عادت بنابراین تحقیق نا چار است که در چهار چوب حقوق اسلامی جلو برود.



**اعتبار اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی (بخوانید به اصطلاح قانون اساسی):**

اعتبار اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی (تا آنجا که آورده شد) کاملاً منطبق با آیات قرآن و سنت محمد است. حدود بیست و چند آیه قرآن در تثبیت و تعلق انحصاری حاکمیت به خداوند است و در آیه ۲۷ سوره الکهف برای رفع هرگونه سوء تفاهم و سوء تفسیر؛ می گوید: «شریک نمی کند خدا احدی را در حاکمیتش»

**مشروعیت رفتارندم در حقوق اسلامی:**

همانطور که میدانید و یادآوری شد؛ حقوق اسلامی نه تنها مشروعیت را از مردم نمی گیرد، بلکه قائل به مشارکت مردم در حق حاکمیت هم نیست.

رفتارندم و همه پرسی، اعتبار دادن به نظر اکثریت مردم و بکار بستن آن است درحالیکه اسلام برای مردم حق حاکمیتی قائل نیست چگونه ممکن است استفاده و بکار بستن نظر اکثریت مردم که فاقد حق حاکمیت و رای هستند ایجاد مشروعیت نماید. (۴)

قرآن نه تنها حق حاکمیت را از مردم سلب کرده بلکه علت آنرا هم بیان نموده و در آیات مکرر از جمله آیه ۱۰۰ سوره مانده و ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره انعام مردم را نادان و گمراه خوانده است و به جهالت انسان هم قرآن اکتفا نکرده بلکه در آیات دیگری؛ اکثریت مردم را نا شکر، فاسق و کافر محض معرفی کرده است و صریحاً می گوید «اگر از نظر اکثریت تبعیت کنید، گمراه می شوید» یکی از مفسرین قرآن در تفسیر نوین قرآن در رابطه با آیات ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره انعام چنین نوشته است:

«علت اینکه درقرآن اکثریت نادان معرفی شده اند، این است که اکثریت بر اساس منطق و فکر صحیح کار نمی کند و راهنمای آنان یک مشت گمان های آلوده به هوس و یک مشت دروغ و تخمین است»

حاشیه - دقیقاً موضوع منطبق است با دروغ های آب و برق مجانی خمینی و هوس های آلوده به زندگی مرفه و امنیت عموم که شورشیان و عده داده بودند.

از آنجا که به مفهوم آیات قرآن اکثریت نمی توانند راه حق نشان بدهند، نتیجه این می شود که راه حق را باید تنها از خداوند گرفت. برخلاف آنچه که در نظر بعضی مسلم شده که اکثریت راه درست را میبیمایند، قرآن در آیات متعددی این موضوع را نفی کرده ....

یک جامعه مومن به رسالت انبیاء هیچگونه اجباری در خود از پیروی نظر اکثریت نمی بیند.... (پایان حاشیه)

**تفسیر دیگری بر بی اعتباری رفتارندم:**

در تاریخ بیستم تیرماه ۱۳۵۸ محمد باقر خالصی معروف به آیت الله که از مجتهدین طراز اول وقت بوده است تفسیری بر رفتارندم سال ۵۸ گذاشته که روزنامه بامداد ۲۰ تیرماه آنرا منتشر ساخته؛ سنگر هم به اعتبار اینکه تفسیر خالص با آیات قرآن پشتیبانی شده است از نظر ایشان در سنگر ۱۵ مرداد سال ۱۳۸۰ استفاده نموده. با اتفاق به آن رجوع می کنیم:

«آیا مطلبی را به رفتارندم گذاشتن و قبول و یا رد آنرا به رای اکثریت جامعه قراردادان اما غیر از دموکراسی غربی چیز دیگری است؟ دموکراسی غربی یعنی همین! این همین مطلبی است که غربی ها آنرا پایه و اساس حکومت خود قرار داده اند و همواره از آن تبعیت می کنند.

رای اکثریت و عمل به آن طبق آیات قرآن و براهین فلسفی مردود بوده و هیچگونه ارزشی به آن نمی توان داد.

هنگامیکه به آیات قرآن نگاه می‌کنیم می‌بینیم که قرآن همواره نسبت به عمل و روش و انتخاب و انتصابات اکثریت هر جامعه‌ای نظر خوشی نداشته و به اندیشه آنان ارزشی قائل نشده است. قرآن بیشتر از ۲۵ مورد اکثریت بشری را به تعبیر «اکثرهم لا یعلمون» (بیشتر انسانها نادانند) خطاب کرده است و در ۶ مورد اکثریت انسان‌ها را ناشکر معرفی کرده «اکثرهم لا یشکرون» و آنها را توبیخ کرده است و در ۱۲ مورد فاسق و در ۴ مورد دیگر بدون عقل و خرد معرفی کرده است و نیز در بیشتر از ۴ مورد اکثریت را کافر محض و منکر حق خوانده است و در یک مورد اکثریت انسان‌ها را گمراه کننده دانسته و می‌گوید: اگر از اکثریت ساکنان روی زمین پیروی آنها ترا از راه حق بدر برده و منحرف می‌کنند. همچنین بیش از ۵ مورد بصراحت اعلام میدارد که شکرگزاران نعمت‌های پروردگار قلیل و اندکند و در سه مورد مومنان را اندک شمرده (آیه ۲۵ از سوره صاد) «

محمد باقر خالص پس از ذکر مطالب بالا اضافه می‌کند:

«آیا با اینکه قرآن اکثریت جامعه را از نظر فکر و عمل منحط و فاسد معرفی می‌کند و این مطلب را بصورت اصل خلل ناپذیری بیان می‌کند، آیا باز هم مسلمانان پیرو قرآن میتوانند تکیه بر اکثریت کرده و از نظرات آنان طرفداری کنند (پایان تفسیر محمد باقر خالص)»

تشریح درست و کامل محمد باقر خالص از آیات قرآن در رابطه با رفتارند نشان اثباتی دارد که رفتارند سال ۵۸ برخلاف قرآن و بی‌اعبار و نمی‌تواند برای جمهوری اسلامی ایجاد مشروعیت نماید.

پیروی از رفتارند سال ۵۸ برای جایگزینی رژیم اسلامی و یا هر تصمیمی مغایرت کامل با آیات قرآن دارد و این بدان معنی است که خمینی و یاران او تکذیب کردند آیات قرآن را در مورد منع اعتبار نظر اکثریت و واکنش قرآن و اسلام نسبت به عمل آنان همان است که در آیه نهم سوره آل عمران برای فرعون و یارانش مقرر کرده است.

#### نظریه شیخ صادق خلخالی:

شیخ صادق خلخالی که باصطلاح قاضی شرع بود در باب اکثریت نظری داده است که کلاً منطبق با مفسرین اسلامی است، می‌گوید:

«اکثریت مردم ناقص و محتاج و غیر کاملند، با یک سخنرانی داغ و یک مشت کلمات زیبا چنان تحت تاثیر قرار می‌گیرند که هرچه سخنران بخواهد عمل میکنند و جمعی بحدی مادی و شکم پرست هستند که با مختصر پول و شام و ناهار خودشان را تسلیم می‌کنند و در نهایت اکثریت مردم غیر عالمند و نادان و نمی‌توانند خیر و شر را تشخیص بدهند»  
سنگر ۳۳۹ + ۳۳۲ -<sup>۱</sup>

اظهار نظر شیخ صادق خلخالی در باره رفتارند و نقش مردم مرا به یاد نوشته یک ایرانی در نیویورک تایمز انداخت که نوشت:

«در روزهای انقلاب ما مانند گوسفندانی بودیم که هرکجا شبان مارا هدایت میکرد به آنجا میرفتیم» نقل از روزنامه صبح ایران بیستم بهمن ۱۳۷۷.<sup>۲</sup>

پرسش اینجاست که آیا گوسفندان میتوانند بنام رفتارند رژیم ۲۵۰۰ ساله ایران را که ۱۰۰۰ سال قبل از قرآن و اسلام سابقه تاریخی و دینی (زرتشت) داشته و ۲۳ آیه قرآن اراده خدا را در تکوین سلطنت و بخشش آن به هرکس که او

۱- جالب توجه است که همین فرقه از راه شکم چرانی و سور دادن ویا پول دادن و وعده های غیر مجاز مردم را به جلسات قرآن ویا مسجد و منبر می‌کشند و همین مردم که آنها اورا با نص صریح قرآن «نادان و صغیر» می‌پندارند را گول می‌خورند. ح-ک  
۲- توجه کنید این جماعت خود را گوسفند می‌داند و شبان آنها کیست؟؟ پرسشی است که اگر درست دقت شود بی بی سی پاسخ را در خود مستنتر تحویل داده است. ح-ک

بخواهد باز گومیکند و این اعلام قرآن در سنگ نبشته های تاریخی و اوستا کتاب زرتشت در ۱۰۰۰ سال قبل از اسلام درخشش خود را حفظ کرده و شاه را سایه و نماینده خدا و سلطنت را موهبت الهی دانسته است تبدیل به جمهوری نماید؟

### کفها و رفراندم:

شیخ منتظری (معروف به آیت الله) گفته است «علما معلمان هستند و طلاب شاگردان و بقیه مردم کف هستند» (!)

منتظری درست میگوید در جوامع اسلامی و حقوق اسلامی ملت و مردم وجود ندارند مردم عموماً بنده هستند بنده خدا که از خود فاقد اراده و عمل دلخواه خود میباشند. بنده در حقوق اسلامی تابع آقای خود است و آقای بندگان یعنی مردم ایران همین آخوند ها هستند (!! (حقوق اسلامی تشیع)

اما با این ساخت و ساز دینی و فرهنگی می توان گفت که رفراندم سال ۵۸ نافذ و به جمهوری اسلامی مشروعیت می دهد؟؟

### تفسیر آخوند غرویان (معروف به آیت الله)

رای ملت همان رای عالمان دین است. تمیز حق و باطل بامردم نیست. امام حکومت اسلامی را میخواست، جمهوری اسلامی را اضطراراً پذیرفتند - کیهان لندن ۸۵۴

حاشیه - درماهیت، اظهار نظر غرویان درست همان است که شیخ منتظری گفته است.

### تفسیر و نظر آخوند محمد یزدی:

اگر همه مردم به چیزی رای بدهند که خلاف دین و قرآن باشد بی اعتبار است، اسلام، ملاک حاکمیت و حق حکومت را آرای مردم نمی داند. کیهان شماره ۵۸۵ لندن.

نظر و تفسیر آخوند محمد یزدی کاملاً منطبق با تحقیق حاضر است یعنی رفراندم سال ۵۸ بی اعتبار است و مردم نمی توانند و حق ندارند رژیم کشور را با همه پرسی تغییر بدهند.

### نظر و تفسیر حزب التحریر:

در هشتم شهریورماه ۱۳۵۸ حزب التحریر در بیانیه ای که در تهران منتشر شد خطاب به مجلس خبرگان و خمینی نوشت:

«اصولاً نظام اسلام، جمهوری نیست بلکه نظام خلافت است، پیروی دولت اسلامی از دستورات مجلس که شامل نمایندگان ملت است نیز با احکام اسلامی متناقض است. زیرا در اسلام، ملت حق قانونگزاری را ندارد بلکه این حق خلیفه و امام است.... ! چهار راه سرنوشت ۱۷۴

### دائرت المعارف شیعه:

کیفیت حکومت در حقوق اسلامی کاملاً تعیین و سنت شده است و به هیچوجه اشاره ای حتا به اجمال به انتخاب حاکم به وسیله مردم تا چه رسد به رفراندم برای تغییر رژیم کشور نشده است. دائرت المعارف شیعه در این باب نوشته است:

«انتخاب هادی و امام در جامعه اسلامی فقط بدست خداست نه مردم (صفحه ۴۸۵)

یعنی حقوق اسلامی اجازه نمیدهد که حکومت جمهوری باشد و رئیس جمهور را مردم انتخاب کنند تفسیر دانت المعارف شیعه منطبق با آیات ۲۴ سوره سجده و ۲۶ سوره صاد و آیه ۳۰ سوره عمران است. به استناد همین تعیین تکلیف دانت المعارف شیعه و آیات قرآن است که آخوند های شیعه در سال ۱۳۰۴ با فتاوی متفق سیستم جمهوری را رد و حرمت تداوم مشروعیت سلطنت را واجب دانستند.<sup>۳</sup>

### خمینی و رفراندم:

خمینی هم برای مردم حق و حاکمیتی قائل نبوده و توده مردم را صغیر و ناکامل مبینداشته در کتاب ولایت فقیه خمینی آمده: «ولایت فقیه از امور اعتباری عقلانی است و واقعییتی جز جعل ندارد مانند قرارداد و تعیین قیم برای صغار. قیم ملت با قیم صغار از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد» (ولایت فقیه صفحه ۶۵)

صغیر، انسانی است که چون به سن رشد و یا رشد عقلی نرسیده حق تصرف در مال و حقوق خود ندارد. بنابر تبیین خمینی رفراندم سال ۵۸ میشود «رفراندم و نظر خواهی از صغار و محجور و دیوانگان. آیا هر تعداد آدم صغیر و محجور و دیوانه و ممنوع المداخله درحقوق و امور خودش حق دارد که با نمایش رفراندم برخلاف قرآن و سنت و تغییر رژیم کشور دست بزند و بعد هم مدعی مشروعیت بشود؟! (!)

### فتاوی خمینی در باره رفراندم:

در سال ۱۳۴۲ جمعی از متدینین تهران از خمینی سوال میکنند در باب حرمت رفراندم بشرح زیر:

متن سوال: - [حضور محترم حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آیت الله العظمی فی الارضین آقای حاج آقا روح الله خمینی دام ظلله العالی تقاضا داریم نظریه خودتان را در موضوع تصویب ملی که در روزنامه ها اعلام شده بیان فرمائید، (مقصود از تصویب ملی پیشنهاد رفراندم سال ۴۲ در باره اصلاحات ارضی است) ]<sup>۴</sup>

### جواب خمینی چنین بوده است:

«هرچند میل نداشتم مطلب به اظهار نظر برسد لهذا مصالح و مفاسد را به وسیله آقای بهبودی به اعلیحضرت تذکر دادم و انجام وظیفه نمودم و مقبول واقع نشد. اینک باید به تکلیف شرعی عمل کنم. بنظر اینجانب رفراندم که بلحاظ رفع بعضی اشکالات به اسم تصویب ملی خوانده شده، مخالف رای جامعه روحانیت و اسلام و اکثریت قاطع ملت است و اساسا رفراندم و یا تصویب ملی در قبال اسلام ارزشی ندارد (نهضت روحانیت علی دوانی)»

آیا فکاهی نیست کسی که در سال ۴۲ بعلت مخالفت اسلام با رفراندم مردم را به مقاومت و کشتن داد ۱۵ سال بعد خودش علم حقانیت رفراندم را بلند کند؟ آیا ظرف این ۱۵ سال خداو قرآن جدیدی بوجود آمده؟ آیا چنین تخطی آشکار حتا از فتوائی که خود خمینی داده است توسل به رفراندم میتواند عامل مشروعیت رفراندم و جمهوری اسلامی بشود؟؟ ابد!!! ابد!!!

### مراجع تقلید وقت رفراندم:

نه تنها خمینی فتوای حرام و مخالف اسلام را با رفراندم اعلام کرد، بلکه در بهمن ماه ۱۳۴۱ فلسفی در منزل آیت الله بهبهانی پشت میکرفن اعلام کرد؛ که علمای اعلام با رفراندم مخالف و آنرا مغایر با شریعت اسلام می دانند و در همان جا

۳- اشاره است به رد پیشنهاد رضا شاه مبنی بر تشکیل جمهوری و رد پیشنهاد او بصورت متفق القول از سوی همین آخوندان که امروز بر ضد رژیم سلطنتی طغیان می کنند... اینها حرف حسابشان در چیست؟؟ ح-ک

۴- «فی الارضین» این یک واژه به نماد آن است که دیگر امامان و حتا در آن جهان (ارض دوم) امام زمان و علی یا محمد پس از خمینی می آیند، زیرا او ولی مسلمین دو جهان محسوب می شود (!). ح-ک

اعلامیه مشترک بهبهانی و خونساری و بهانی را در تحریم فراندم که صادر شده بود قرانت کرد - صفحه ۱۹۹ داستان انقلاب - طلوعی

سنت محمد و فراندم:

در تاریخ اسلام از بدو پیدایش اسلام هیچ اثر و اشاره ای به رجوع به مردم و شرکت آنان در حکومت از طریق انتخابات تا چه رسد به فراندم نیست حتا در غدیر خم که شیعیان معتقدند علی به جانشینی محمد منصوب شد محمد در آن اجتماع از نظر مردم استفاده و پرسش نکرد بلکه علی و انتصاب او را تحمیل کرد. مگر نمیتوانست به مردم بگوید یکی را به جانشینی من انتخاب کنید؟؟ ولی قرآن به محمد اجازه رجوع به مردم و نظر خواهی از آنان را نمیداد. مگر خلفای راشدین و یا امویان و یا عباسیان از طریق همه پرسى به حکومت رسیدند؟؟ ابداء.. ابداء!!!

مرور زمان سی ساله:

آیا سی سال حکومت جمهوری اسلامی سبب مشروعیت آن رژیم می گردد؟ پاسخ قطعی خیر است. زیرا در حقوق اسلامی مرور زمان جاری نیست کما اینکه مسیحیان که حدود ۶۰۰ سال قبل از اسلام بوده اند و اکنون نیز نزدیک به ۲۰۱۰ سال است دینشان جاری است همچنان از نظر حقوق اسلامی کافر و مستحق پرداخت جزیه اند؛ نمونه تاریخی دیگر خلافت عباسیان است که با آنکه ۵۲۲ سال (از سال ۱۳۲ هجری تا سال ۶۵۶) دوام یافت و ۳۷ خلیفه در آن زمان حکومت کردند؛ معهذا از نظر سنیان (اسلامیان) همواره غاصب شناخته شدند تا بساطشان برچیده شد.

بنابراین رژیم جمهوری اسلامی به اعتبار فراندم سال ۵۸ رژیمی غاصب؛ خودسر و برخلاف اسلام و بدعتی است برخلاف قرآن و سنت چون احکام قرآن محدود به زما و مکان نیست و ابدی معرفی شده است. لذا جمهوری اسلامی چه سی (۳۰) سال و چه سه هزار سال و بیشتر دوام یابد غاصب و نا مشروع است.

امیر فیض - حقوقدان